



فیلم‌های ایرانی در جشنواره جهانی فیلم فجر

در چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر، ۱۰ فیلم ایرانی و مشترک با دیگر کشورها در بخش‌های مختلف به‌نمایش درمی‌آید. این فیلم‌ها روایتگر موضوعات مرتبط با جنگ، عشق، مهاجرت و انسانیت هستند. از جمله این فیلم‌ها می‌توان به «اونمی خوابد»، «زمانی در ابدیت»، «پیل»، «مرد آرام»، «چانگ‌آن، شی‌آن»، «ماهی در قلاب»، «پس از عاشقی»، «مرد خاموش»، «دو روی پاییز» و «فرشته‌ها نمی‌میرند» اشاره کرد. «او نمی‌خوابد» داستان مردی ۶۵ ساله است که به‌دلیل بی‌خوابی ناشی از جنگ به کمک دیگران می‌پردازد. «زمانی در ابدیت» روایت زنی است که در جست‌وجوی همسر گمشده‌اش است. «پیل» در میانه جنگ ایران و عراق، داستان نوجوانی را روایت می‌کند که به‌دنبال برادرش می‌گردد. «فرشته‌ها نمی‌میرند» مستند-داستانی است که به سرنوشت مردم غزه و آوارگی آنان پرداخته است. این فیلم‌ها در کنار دیگر آثار برجسته در جشنواره رقابت می‌کنند. چهل‌وسومین دوره از جشنواره جهانی فیلم با شعار «ستایش زندگی» از پنجم تا دوازدهم آذرماه سال ۱۴۰۴ برگزار خواهد شد.



درگذشت بازیگر فیلم «شعله»

در مندرا اسپننگ دنول، ستاره محبوب سینمای هند که با نقش‌آفرینی در فیلم «شعله» به شهرت جهانی رسید، روز دوشنبه ۲۴ نوامبر (۳ آذرماه) در سن ۸۹ سالگی، یک روز پیش از ۹۰ سالگی‌اش درگذشت. او بیش از شش دهه در صنعت سینما حضور داشت و در بیش از ۲۸۰ فیلم ایفای نقش کرده بود. در مندرا که به‌دلیل توانایی در ترکیب جذابیت مردانه با صحنه‌های اکشن و عاشقانه به «هی‌من بالیوود» معروف بود، در فیلم «شعله» (۱۹۷۵) در کنار آمیتا باچان و هما مالینی، به یکی از شخصیت‌های فراموش‌نشده سینمای هند تبدیل شد. او جوایز متعددی از جمله جایزه افتخاری فیلم‌فیر در سال ۱۹۹۷ و نشان افتخار پارلمان هند (Padma Bhushan) در سال ۲۰۱۲ را دریافت کرد. در مندرا نه‌تنه‌ایک بازیگر برجسته‌بود، بلکه نماد سینمای تجاری هندیکی از چهره‌های تأثیرگذار در معرفی بالیوود به جهان به‌شمار می‌رود.



«توپک» جایگزین «اسکوپ» بستنی

براساس مصوبه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه «توپک» و «توپک‌زن» به‌عنوان معادل فارسی واژه‌های «اسکوپ» و «قاشق اسکوپ بستنی» انتخاب شده‌اند. نسرین پرویزی، معاون گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اعلام کرد که فرهنگستان اخیراً واژه «اسکوپ» را مورد بررسی قرار داده و برای دو مفهوم آن معادل‌هایی انتخاب کرده است. یکی برای وسیله‌ای گرد و کاسه‌ای‌شکل که برای برداشتن مواد مانند بستنی و خامه استفاده می‌شود و دیگری برای ماده‌ای که برداشته می‌شود. به‌جای عبارت‌هایی مانند «یک اسکوپ» یا «دو اسکوپ» بستنی، اکنون از «یک توپک» و «دو توپک» استفاده می‌شود و برای وسیله‌ای که این مواد را برمی‌دارد، واژه «توپک‌زن» به‌کار خواهد رفت. پیش از این، فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای واژه‌های «اسلاید» و «تگ» «برند» و «تگ» معادل فارسی «پردک»، «ویژند» و «برجسب» را تعیین کرده بود.

مصاحبه موسیقی

گفت‌وگو با کیهان کلهر درباره دغدغه‌هایش نسبت به این روزهای ایران

تهران را دیگر نمی‌شناسم



عکس: Julia Gunther



علی ورامینی
دبیر گروه فرهنگ

سخت‌ترین قسمت گفت‌وگو کردن با کیهان کلهر، یافتن وقتی برای گفت‌وگوست؛ به‌خصوص وقتی در تور کنسرت باشد (که بیشتر اوقات هم چنین است) دیگر هماهنگ کردن با او تقریباً غیرممکن می‌شود. این گفت‌وگو هم با او حین تور فشرده‌اش با اردال ارزنجان در آمریکای شمالی و با لطف و همت همسرش زهره سلطان‌آبادی شکل گرفت. کیهان کلهر البته سال‌هاست که زیست هنری این چنینی دارد. خاطرم هست سال ۱۳۸۹ شمسی که ۲۰۱۰ میلادی می‌شد، از جایی شنیدم که تا ۲۰۱۴ یا همچنین عددی، تمام برنامه‌های کیهان کلهر پر است، یا در تور است یا در مسترکلاس در دانشگاه‌های مختلف جهان. آن روز چنین چیزی در فضای موسیقی ایران عجیب بود، امروز هم که ایران منزوی‌تر شده حتی بیشتر عجیب است، اما با یک نگاه رو به پس به زندگی حرفه‌ای کلهر و دستاوردهایش برای آن‌ها که موسیقی او را پیگیری می‌کنند، دیگر جای تعجب نیست. گویی کیهان کلهر از مقطعی موسیقی‌اش را در سفر، در دیالوگ با فرهنگ‌ها و آواهای مختلف توسعه می‌دهد. با همه اینها، با اینکه او بین‌المللی‌ترین هنرمند ایرانی است اما کماکان خانه اصلی‌اش را نه فقط به‌لحاظ ذهنی که به‌لحاظ فیزیکی هم ایران می‌داند. درگفت‌وگویی که به‌مناسبت زادروزش با او انجام دادم به همین نکته اشاره می‌کند. سوالات زیادی از او داشتم؛ از «در آینه آسمان» تا «سه تارنوازی‌اش در موزه آبگینه» و... آن صحبت‌ها هم به‌زودی منتشر خواهد شد، اما این روزها که تهران شبیه اتاق‌گاز شده است، از زمین خشکسالی می‌بارد، از هوا دود و از روزگار ناامیدی، صحبت از نغمه‌ها و موسیقی خیلی بهنگام نیست. تهرانی که به‌قول کیهان کلهر، تاریخ و حافظه جمعی‌اش در حال فروپاشی است و ای‌کاش فقط تهران بود.

با وجود اینکه تقریباً تمام کارها و پروژه‌های شما بین‌المللی است، ترجیح داده‌اید در بزنگاه‌هایی که از قضا بسیاری ایران را ترک کردند، ایران بمانید؛ مورد اخیرش هم همین جنگ ۱۲ روزه بود. به‌نظر این‌ها اتفاقی نیست. مخصوصاً این جنگ اخیر در کل نسبت کیهان کلهر - که از بعد نوجوانی در کشورهای دیگر زیسته است و هنرمندی بین‌المللی است - با ایران چیست؟

در حقیقت من هرگز مدت زیادی خارج از ایران نمی‌مانم. سفرهایم صرفاً کاری است؛ خانه، خانواده و تعلقاتم همه در ایران است و طبیعی است که این ارتباط عاطفی با سرزمینم همیشه زنده باشد. پس از نوجوانی و طی مسیر تحصیل و یادگیری که در آن‌میان نیز به‌واسطه حضورم در تشکیل هسته اولیه گروه داستان و نیز همکاری مدام با موسیقیدانان ایرانی ساکن اروپا و آمریکا، همچنین از سال ۱۳۷۱ که به ایران بازگشتم و کار حرفه‌ای خود را در وطن از سر گرفتم، با جامعه موسیقی و فرهنگی ایران در ارتباط بوده‌ام، کنسرت اجرا کردم و از آن سال‌ها به‌طور مستمر در ایران زندگی می‌کنم. سفرهایم به خارج برای من تنها جنبه کاری دارد و محل زندگی و خانم همیشه ایران بوده و هست؛ جایی که همواره دوست داشته‌ام در آن زندگی کنم، به امید آنکه چراغی روشن کنم یا کاری را که عمری در آن زیسته‌ام، ذره‌ای رو به جلو ببرم.

انگار تعلق خاطر شما به ایران حتی به‌لحاظ حضور فیزیکی و ارتباط با افراد و قشرهای مختلف هم هرچه جلوتر آمده‌ایم، بیشتر شده. درست است؟

با بالاتر رفتن سن، ارتباطم با ایران و درکم از این نسبت، عمیق‌تر شده و تمایل دارم این پیوند به‌هر شکل ممکن

دست‌نیافتنی است.

اما آنان که کلهر را می‌شناسند، می‌دانند که تبحر او تنها به نواختن ساز کمانچه و شاه‌کمان منحصر نشده و سه‌تار نوازی‌های استادانه‌اش تحسین اهالی فن را برانگیخته است؛ از سحر سه‌تارش در سفر به دیگر سوتا حکایت طرقة در شب، سکوت و کویر. مضراب‌های سه‌تار او کم از آرشه‌هایی که بر کمانچه می‌کشد ندارد؛ هر دو جان‌فزا و روح‌پروند.

می‌توان بارزترین خصوصیات کلهر، که او را از بسیاری هنرمندان متمایز کرده است، شیوه انتقال احساس در نوازندگی و برقراری رابطه صحیح میان شنونده و نوازنده دانست. تأثیر این بارزه به‌اندازه‌ای ملموس است که شنونده خوش‌ذوق موسیقی می‌تواند این حس را تنها با شنیدن اثر درک کرده و احساس ناب موسیقی را دریافت کند. در کنار آن قدرت بداهه‌نوازی او به‌قدری عمیق و شگفت‌انگیز است که با اتکا به این دو شاخصه مهم فضایی خلق می‌شود که مخاطب هنرناس را به‌وجود می‌آورد. او در بداهه‌نوازی‌های خود در تلاش است تا یک روایت احساسی را به مخاطب خویش بازگو کند و از آغاز این روایت با شنونده همراه شده، او را به اوج داستان احساسی‌اش برده و تا

جهانی‌شدن آن کشیده و توفیقات بسیاری را نیز کسب کرده است. اونیک‌نامی خود را در نوازندگی منحصر به‌فرد سازهای کمانچه و شاه‌کمان تحصیل کرده و بخش عمده‌ای از این محبوبیت به‌دلیل خلاقیت‌های این استاد بزرگ و نوآوری‌هایش در نوازندگی سازهای مورد اشاره است. او با خروج از قواعد دست‌وپاگیر موسیقی، آثار خود را نه‌تنها در میان فارسی‌زبانان ماندگار کرده که چهره‌ای بین‌المللی بدان بخشید و جهانیان را به تحسین واداشته است. همین مهم نیز سبب شده است تا موفق به کسب جوایز متعدد و معتبر جهانی همچون گرمی و وومکس شود که در میان هنرمندان ایران، افتخاری برانزده و



محمدجواد صحافی
نویسنده و پژوهشگر

بی‌هیچ توضیحی، از کیهان کلهر نام می‌برم؛ هنرمندی که معرفی‌اش نه‌نیاز به مقدمه دارد و نه مؤخره، ذکر نام‌اش برای توصیف بزرگی‌اش کفایت می‌کند؛ هنرمندی که زحمات بسیاری برای اعتلای هنر موسیقی ایران و سعی در

برگزیده‌ای که رسالتش هنر است...

به‌مناسبت زادروز کیهان کلهر

نگاه پژوهشگر